

شماره هفتم - سال دوم - بهمن ماه ۱۳۹۹

تمايز



ماهنامه تخصصی - دانشجویی رشته مدیریت فرهنگی هنری



فهرست

۷ / راستش را که بخواهی... /

یادداشت ادبی

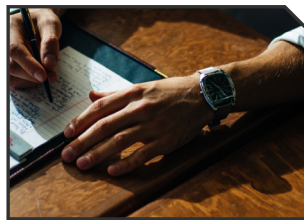


۸ / مجموعه عکاسی طواف /



۳ / یادداشت استاد /

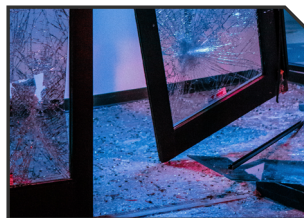
بازگشت به ایدئولوژی



۴ / مقاله: شعبده‌نمادین /

نگاهی بر منطق ارتباط خشونت نمادین

و رسانه



نشریه تمایز

ماهانامه دانشجویی مدیریت فرهنگی و هنری

سال دوم / شماره هفتم / بهمن ماه ۱۳۹۹

@TAMAYOZ_MAG

صاحب امتیاز: انجمن علمی رشته مدیریت فرهنگی و هنری دانشگاه علم و فرهنگ

مدیر مسئول: نیلوفر فروغی

سرمدیر: محدثه اسمعیل

ویراستاران: آیلین محمدزاده، فاطمه اکبری

مسئول فضای مجازی و رادیو تمایز: سارا دهقانپان

هیئت تحریریه این شماره:

فاطمه اکبری منفرد، کیمیا ترکاشوند، ملیکا هاشمی

عکاسان مجموعه:

امیرحسین رابط، ملیکا هاشمی

با سپاس بی کران از استاد آیدین باقری
استاد ارجمند رشته مدیریت فرهنگی و هنری

دبیران خانه‌های تمایز:

کیمیا ترکاشوند، خانه ادبیات

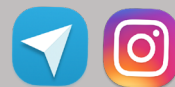
و فاطمه منفرد، خانه کتاب

با سپاس فراوان از سید محمود فیض

جهت همکاری و ارتباط با ما در شبکه های
اجتماعی در دایرکت و یا با آیدی تلگرامی

@TAMAYOZ_MAG_ADMIN

در تماس باشید.





بازگشت به ایدئولوژی

یادداشت استاد: آیدین باقری



«فیلسوفان فقط جهان را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرده‌اند، اما مسئله بر سر تغییر آن است.» (مارکس، تزهایی درباره‌ی فوئر باخ)

سلاحی نابرابر، نقش ابژکتیو را ایفا می‌کند. شاید مجموع گمانه‌زنی‌های این چنینی و حتی بازنگری در نحوه مرادوات و سیاست‌های اتخاذ شده در جای‌جای دنیا، بیش‌ازپیش بسیاری را به تأمل وادارد که می‌بایست به چگونگی احیای ایدئولوژی در برابر پایان ایدئولوژی اندیشید. جوامعی که تا پیش از این بر طبل رویای اصالت فرد برای دست‌یابی به کیفیت زندگی بهتر می‌کوبیدند و چشم به منافع جمعی و تحقق عدالت اجتماعی و ... بسته بودند، دریافته‌اند که انسان معاصر به‌روی آب قدم می‌زند، بی‌آنکه بتواند لحظه‌ای از وحشت فرو رفتن در آن غفلت کند، در چنین شرایطی اگر بنا باشد هر فرد در هر نقطه جغرافیایی دائماً خود را به حاشیه رانده شده پیدا کند، بازگشت به نظریه‌ای جامع که توان تبیین او و جهان‌اش را داشته باشد و از سویی بتواند محقق شدن جهانی برابر را مژده دهد که در پی آن انگیزشی در میان مردمان برای دست‌یابی به رهایی جمعی پدید آورد اجتناب ناپذیر خواهد بود، چرا که احساس نیاز به تغییر و نه تفسیر صرف جهان، مدت‌هاست تبدیل به خواستی جهانی شده است.

به‌واقع گمان می‌کنم، بیش از هر زمان دیگری اکنون ما ترسیم تمام عیاری از یک وضعیت استثنایی است. شیوع جهانی پاندمی کووید ۱۹، حتی نگرستن ما به اطرافمان را همان‌قدر بازگشت ناپذیر به گذشته، تحت شعاع قرار داده است، اما امکان رجوع به چیزهای روزمره اطراف که پیش از این در سایه سیطره فناوری، فراموش شده بود را مهیا کرده است که صد البته می‌توان این فرصت را غنیمت شمرد؛ گویی امروز باور کرده‌ایم، خانه و جهانی که در آن سکنی گزیده‌ایم آنچنان ایمن و حفاظت شده نیست و از سویی هم ظهور قهرمانی که بتواند سبب‌ساز رخدادی رهایی‌بخش شود امری ناشدنی و متعلق به جهان مسطح بطلمیوسی^۱ است؛ به واقع اگر هم تکنولوژی در این قامت ظهور کند، آنچنان با امر سرمایه و سیاست‌های اقتصاد سیاسی غالب در جهان گره خورده است که به فرض شعار فردایی واکسینه در برابر کووید ۱۹، هم ناتوان از توزیع برابر است و هم چنان

۱- اشاره به نظریه‌ی کلاودیوس بطلمیوس که در آن زمین در مرکز گیتی قرار داشته و خورشید و ماه و بقیه سیارات به دورش می‌چرخیدند.



مدیریت آموزشی و هنری
سال نهم
شماره هفتم
پهمن ماه ۱۳۹۹

شعبده نمادین

نگاهی بر منطق ارتباط خشونت نمادین و رسانه

فاطمه اکبری منفرد

با یکدیگر امر خشن را بازتولید می کنند. و این در واقع بخش غم انگیز و گاهی ترسناک ماجرا را می سازد. حال سوال اساسی آن است که عالم در خشونت نمادین چه نقشی را می تواند ایفا کند و آیا تأثیری در فرآیند دارد یا خیر؟ نامحسوس!

درست شبیه مهره های شطرنج در بازی قرار می گیریم و در واقع هیچ اختیاری از خود برای حرکت نداریم. این قدرت و سلطه است که ما را به حرکت درآورده و خشونت نمادینی که از آن بی خبریم را بر ما تحمیل می کند. شاگردی که در مغازه پادویی می کند و همواره از فکر اقتصادی صاحب کار خود تعریف کرده، او را تحسین کرده و رسیدن به آن جایگاه را برای خود بعید می داند، هیچ تقصیری در این رابطه ندارد. او زائیده نظام سرمایه داری است تا فقر تولید کند و در نتیجه پولدار را پولدارتر و فقیر

دوست داشتیم آن کسی باشم که از فرط دانایی رو به سکوت می آورد؛ اما نشد! مقدمه

«خشونت نمادین، نوعی از خشونت است که با همدستی ضمنی کسانی که این خشونت بر آن ها اعمال می شود و نیز کسانی که آن را اعمال می کنند، انجام می شود؛ زیرا هر دو گروه، نسبت به اعمال آن، آگاهی ندارند.» (بورديو، ۱۳۹۴، صفحه ۲۵) مفهوم خشونت نمادین مفهوم بسیار مهمی است. در حقیقت در حال بحث درباره یک منطق خاص اجتماعی هستیم که اعمال خشونت در آن صورت می گیرد؛ اما نه فردی که مورد خشونت قرار گرفته است از آن آگاهی دارد و نه کسی که در حال اعمال خشونت است.

نکته جالب توجه در خشونت نمادین آن است که عامل خشونت و موضوع خشونت در همدستی

تمام این واکنش‌ها در حالی است که هیچکس در رابطه با میزان استقلال این افراد بحثی به میان نمی‌آورد. «تحقیقات ماویس هترینگتون و جان کلی نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰٪ از همه فرزندان طلاق، شبیه فرزندانی که در خانواده‌های سالم بزرگ شده‌اند، خوشحال و موفق هستند؛ بنابراین اگر طلاق و همکاری والدین بعد از آن درست انجام گیرد، فرزندان می‌توانند موفق باشند.» (معظم زاده، نگار، ۱۳۹۸) پس همان‌طور که گفته شد هم فرزند طلاق در این فرآیند قربانی خشونت نمادین است و هم کسانی که به اشتباه راجع به او قضاوت می‌کنند. در حقیقت در این فرآیند سعی بر آن است که اتفاقات اصلی و مورد انتظار زندگی را به امری شرم‌آور تبدیل کنند که حتی افراد از گفتن آن خجالت‌زده شوند.

خشونت نمادین حتی در مسائلی همچون چاقی و زیبایی و برتر بودن و شیک بودن و... رسوخ کرده است. به طور مثال افراد تحت تأثیر صنعت مد که باز هم به سلطه اقتصادی باز می‌گردد چنان مفهوم زیبایی را در ذهن خود حک کرده‌اند که هر کس در آن قالب قرار نگیرد قطعاً زیبا نخواهد بود و رسیدن به این امر را جز با عمل‌های جراحی میسر نمی‌دانند.

در مقاله تلویزیون و سلطه ژورنالیسم، پیر بوردیو به خشونت اعمال شده در تلویزیون نیز اشاره می‌کند. او بسیار هوشمندانه با مثالی از شعبده بازها می‌گوید: «شعبده بازها یک اصل اولیه دارند و آن این است که توجه تماشاچیان را به چیز دیگری، جز آن چیز که در حال انجام

را فقیرتر کند.

شاگرد پادو یاد گرفته است به سیستم نقد نداشته باشد و از هرچه که بر او تحمیل می‌شود اطاعت کند. صاحب مغازه نیز حتی اگر انسان بدی نباشد سعی در تغییر تفکر شاگرد خود ندارد و معتقد است هرکس باید خودش گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. آن‌ها در خشونت نمادینی قرار گرفته‌اند که هر دو از آن بی‌خبرند. اما در حال بازی در زمین سرمایه‌داری هستند. خشونت نمادین حتی به ارزش‌ها و باورها و هنجارهای یک جامعه نیز رسوخ می‌کند. سلطه این تفکر که فرزندان طلاق زندگی و آینده بدی خواهند داشت یک نوع از خشونت نمادین است. و این خشونت تا جایی نفوذ می‌کند که هیچکس حتی حاضر نیست با این افراد وصلت کند. زیرا تفکر جاافتاده این است که فرزندان طلاق حتماً در زندگی به مشکل خواهند خورد و یا اینکه تربیت درستی نداشته‌اند!

«اصطلاح فرزند طلاق دارای بار منفی است. بسیاری از والدین فرزندان خویش را از ارتباط با افرادی که فرزند طلاق هستند منع می‌کنند. خیلی‌ها معتقدند زندگی فرزندان طلاق قطعاً منجر به جدایی و طلاق می‌شود. این اشخاص طلاق را یک ننگ و علامت شکست می‌دانند. آنها فکر می‌کنند کسی که فرزند طلاق است، قطعاً در زندگی خویش انسانی شکست خورده و ناموفق است. اما در صورتی که طلاق درست انجام شده باشد، نباید آن را به‌عنوان یک بحران تلخ و نابودکننده به حساب آورد. پس سعی کنیم با شنیدن واژه طلاق روی افراد دیگر برچسب نزنیم و آن فرزندان طلاق را افرادی از پیش شکست خورده تصور نکنیم.» (معظم زاده، نگار، ۱۳۹۸)

منابع:

۱. بوردیو، پیر (۱۳۹۴) درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم، ترجمه ناصر فکوهی، نشر فرهنگ جاوید
۲. مصاحبه با خانم دکتر نگار معظم زاده در خبرگزاری برنا، سال ۱۳۹۸

دادنش هستند جلب می‌کنند.» (بوردیو، ۱۳۹۴، صفحه ۲۵) او در ادامه به اخبار تلویزیون اشاره می‌کند و تأکید بر آن دارد که در تلویزیون ارزش خبری که باعث جلب توجه مردم شود ولی مهم نباشد، بیشتر از خبری مهم است که باعث آگاهی مردم می‌شود. با توجه به این تعریف بسیار ساده در می‌یابیم ما نیز مانند اکسیژن در حال تنفس خشونت نمادینی هستیم که حتی وجود آن را حس نمی‌کنیم.

اما کار عالم در این فرآیندها چیست؟ در حقیقت کار عالم در صحنه‌های خشونت نمادین فاش کردن این صحنه‌ها است. به قولی عالم باید واکاوی کند و دریابد که عامل اصلی به وجود آمدن این خشونت‌ها چیست؟ در حقیقت عالم باید بداند فرآیندهایی که منجر به تولید مسئله و تأثیر خشونت نمادین شده است چه چیزهایی بوده اند؟ اگر موضوع خیابان‌خوابی و در حقیقت کارتن‌خوابی افراد است حتماً کار عالم پیدا کردن فرآیند تولید کارتن‌خواب است.

عالم باید دریابد چرا پدیده‌ای همانند کارتن‌خوابی پدید می‌آید و چه اهرم‌های فشاری برای تولید چنین افرادی وجود دارند؟ شاید یکی از مواردی که عالم به آن برسد بازنگری اساسی بر اوضاع ملک و مسکن باشد و یا اینکه شیوه شیوع استفاده از مواد مخدری که افراد را از خانه و خانواده جدا کرده و به خیابان کشانده است را شناسایی کند. اما حتماً دادن راه‌حل‌های موقتی و طبعاً بی‌تأثیر کار عالم نیست. در واقع غایت و هدف عالم فاش کردن حقیقت است، چیزی که البته توسط بسیاری از افراد در ساختارهای مدیریتی قابل پذیرش نخواهد بود.



راستش را که بخواهی...

کیمیا ترکاشوند

خبری از گرفتگی دل‌ها. راستش به دنیای ما که رسید همین زوال ناپذیرترین واژه هم رنگ باخت. رفت و به انزوا نشست.

عشق در دنیای ما در چشم‌های آدم‌ها شنا می‌کند و در زیر و بم سازهای ناکوک زندگی، در دل رازهای مبهم سرنوشت و در مابین انبوهی از دغدغه‌ها و فکرها و آشفتگی‌ها غرق می‌شود. اصلاً در دنیای مشوش ما تعویق عشق چیز عجیبی نیست!

می‌ترسم یکی از همین شب‌هایی که از راه می‌رسد قصه‌ها تمام شوند و آفتاب به خواب برود.

می‌دانی؟ قصه که به آخر برسد آدم‌های دنیای من می‌مانند با یک دنیا حسرت و نشد...

همه‌ی ما، خواه ناخواه پناه بردیم به جهان قصه‌ها. همان جهانی که قصه‌هایش با یکی بود و یکی نبود شروع می‌شود. روزش را با پرتوهای پر مهر خورشید گرم می‌کند و شب که می‌زند آسمانش پر می‌شود از ستاره‌های دنباله‌دار.

آسمان دنیای قصه‌ها هر روز آبی و آبی‌تر می‌شود و عشق پیچیده‌ترین واژه‌ی هستی چنان زیبا و یگانه در این جهان متولد می‌شود که عطر آن هر عاشقی را مجنون‌تر از فرهاد می‌کند.

در جهان شیرین قصه‌ها عشق پشت پنجره‌های چوبی خانه‌ها به انتظار می‌نشیند؛ شمعدانی‌ها گل می‌کنند و انگار همیشه بهار است و بهار.

نبض پنهانی عشق در قلب آدم‌های قصه شروع به تپیدن و سمفونی خنده‌های زندگی مستشان می‌کند.

انگار دنیای خالی از هیاهوی قصه‌ها فارغ از فراق‌ها و نرسیدن‌ها است.

روزها خودشان را بی‌درنگ به دست شب‌ها می‌سپارند. نه خبری از خیال‌های آشفته است و نه



مجموعه عکاسی طواف

ملیکا هاشمی، امیرحسین رابط

شاید «نگاه» در دایرةالمعارف دهخدا تنها یک معنا داشته باشد، اما همین کلمه از نظر هر انسانی دارای معنایی متفاوت است. از نظر ما به معنای مشاهده، ملاحظه، نظاره و اسم نگریستن مانند نگرش می باشد. اما از نظر یک دستفروش که معاش خود را در گذرگاهها جست و جو می کند نگاه معنایی متفاوت دارد.



نشریه
دانشجویی
مادریت فرهنگی و هنری
شماره هفتم
سال دوم
پهمن ماه ۱۳۹۹



Melika Hashemi



Melika Hashemi



Melika Hashemi



نشریه
دانشجویی
مادریت فرهنگی و هنری
شماره هفتم
سال دوم
پهمن ماه ۱۳۹۹



Melika Hashemi



Melika Hashemi



مجموعه عکاسی طواف

مديريت پژوهش و تحري
 دانشجوئي
 زنگنه
 شماره ختم
 سال نهم
 بهمن ماه ۱۳۹۹



Melika Hashemi



Melika Hashemi



نشریه
دانشجویی
مادریات فرهنگی و هنری
شماره هفتم
سال دوم
پهمن ماه ۱۳۹۹



saamrabet photography



saamrabet photography



نشریه
دانشجویی
مادریات فرهنگی و هنری
شماره هفتم
سال دوم
پهمن ماه ۱۳۹۹



saamrabet photography



saamrabet photography



  @TAMAYOZ_MAG